

سخنرانی پرفسور جی. ان. دی. اندرسن J. N. D. Andrson

پارسی کرده‌ی : محمد حسین ساکت

بررسی و آموزش حقوق اسلام در انگلستان و گرایشهای تازه‌ی فقهی

(۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در باره‌ی سخنران :

کار دکتر ان. جی. اندرسن ، استاد حقوق و رئیس بخش حقوق در مدرسه‌ی مطالعات و پژوهشهای شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن ، به عنوان يك دانشمند در حقوق شرقی ، با خیلی امتیازات، برجسته است .
اندرسن ، مدیر کمیته‌ی بین‌المللی حقوق سنجشی بریتانیاست؛ همچنین در شورای فرهنگی حقوقی، پیرامون حقوق سخنرانی می‌کند .

پرفسور اندرسن چهارده سال در مصر گذراند و یکسال در خاور میانه به بررسی‌ها و پژوهشهایی ویژه پرداخت. در ۵۱-۱۹۵۰ از همه‌ی کشورهای اسلامی که جزء متصرفات آفریقایی بریتانیا بود، دیدن کرد. از آن هنگام به چندین دیدار از خاور میانه و آفریقا پرداخته است. وی به عنوان دبیر کل «ادیان جهان World's Religions» (سومین چاپ ۱۹۵۵) مشغول خدمت گردید. سه سال پیش، اندرسن، به ایران آمد و در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران زیر عنوان «دگرگونیهای قانون خانواده» سخنرانی‌گیری ابراد کرد.

از آثار این استاد کتابها و گفتارهای زیرین را می‌توان برشمرد:

۱- حقوق اسلام در جهان امروز

Islamic Law In The Modern World.

(فراهم آمده‌ی پنج سخنرانی در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه نیویورک) چاپ دانشگاه نیویورک، ۱۹۵۹. (نخستین سخنرانی در این کتاب را نگارنده، با اجازه‌ی نویسنده، به پارسی در آورده است که بعداً چاپ خواهد شد).

۲- دگرگونی قانون در کشورهای پیشرفت‌کننده

Changing Law In Developing

Countries.

لندن ۱۹۶۶

۳- حقوق عرف و حقوق اسلام در سرزمینهای انگلیسی-آفریقایی.

«آینده‌ی حقوق عرف در آفریقا»

Costomory Law and Islamic Law In British African Territories.

لیدن، ۱۹۵۶.

۴- زن‌اشوبیهای غیرقانونی و باطل در قانون حنفی، نشریه‌ی مدرسه‌ی

پژوهشهای شرقی و آفریقایی، شماره‌ی ۲، XIII، ۱۹۵۰.

۵- پیشرفتهای تازه در حقوق اسلام، شماره‌های مسلسل «جهان اسلام

Muslim World از شماره‌ی يك تا شماره‌ی ده ، ۵۲ - ۱۹۵۰ .

۶- قتل عمد در حقوق اسلام، نشریه‌ی مدرسه‌ی پژوهش‌های شرقی و آفریقایی،

۱۹۵۱ ، ۴ ، XIII .

۷- عنصر مذهبی در وقف، مجله‌ی جامعه‌ی مرکزی پادشاهی آسیا ، ۱۹۵۱ .

۸- قانون شخصی جامعه‌ی «روز» ، «دنیای اسلام»

N. S. II ، I - 2 ، ۱۹۵۲ Die Welt des Islams

۹- يك مجموعه‌ی پیشنهادی حقوق شخصی برای عراق ، نشریه‌ی مدرسه‌ی

مطالعات شرقی و آفریقایی ۱۹۵۳ و I و XV .

۱۰- وابستگی مطالعات حقوقی شرقی و آفریقایی (سخنرانی افتتاحی که

به وسیله‌ی مدرسه‌ی مطالعات شرقی و آفریقایی منتشر شده است) . لندن، ۱۹۵۴ .

۱۱- حقوق اسلام و حقوق نوشته (دینی که مجموعه‌های حقوق نوشته‌ی

مصر و سوریه به حقوق اسلام مدیون اند) مجله‌ی فصلنامه‌ی اسلامی

Islamic Quarterly ، ۱۹۵۴ ، I و I .

۱۲- قوانین شخصی حقوق سوریه ، مجله‌ی فصلنامه‌ی بین‌المللی و حقوق

سنجشی

The International and Comparative Law Quarterly, VII, 1950

۱۳- آفریقای گرمسیر؛ افق‌های پهناور و گسترده ، در کتاب «یگانگی و

گونگونگی در تمدن اسلامی» (فراهم آمده‌ی: جی. ای. فون گرونباوم، شیکاگو،

۱۹۵۵) این کتاب زیرعنوان: وحدت و تنوع در فرهنگ اسلام، به دست آقای

دکتر عباس آریانپور کاشانی به پارسی در آمده است و در تبریز به چاپ رسیده است.

۱۴- اصلاح قانون در خاور میانه ، مجله‌ی «مسایل بین‌المللی

International Affairs ، ۱۹۵۶ ، I ، XXXII

۱۵- بازتاب‌هایی در حقوق: فطری، الهی و مثبت .

Journal of Transactions of the Victoria Institute, LXXXVIII,

۱۹۵۶ .

۱۶ - حقوق همچون نیرویی اجتماعی در فرهنگ و تاریخ اسلامی، نشریهی مدرسهی مطالعات شرقی و آفریقایی، ۱۹۵۷، XX .

۱۷ - تعارض قوانین در نیجریه‌ی شمالی، مجله‌ی حقوق آفریقایی، ۱۹۵۴، ۱، ۲ .

۱۸ - حقوق و عرف سرزمینهای اسلامی آفریقا؛ پیشرفت تازه در نیجریه، ۱۹۵۷ و I و VII (بروگسل) Civilizations .

۱۹ - قوانین شخصی حقوق تونس، مجله‌ی فصلنامه‌ی بین‌المللی و حقوق سنجشی، ۱۹۵۸، VI .

۲۰ - اصلاح قانون خانواده در مغرب (مراکش)، مجله‌ی حقوق آفریقایی، ۱۹۵۸، ۳، II .

۲۱ - قانون خانواده‌ی قبرسیان ترکیه، «مجله‌ی دنیای اسلام ۱۹۵۸ و N. S. V. 3-4

۲۲ - قانون اسلام و تعهدات قراردادی (با همکاری «کولسن Coulson») مجله‌ی حقوق دانشکده‌ی نیویورک، ۱۹۵۸، 7، XXXIII . «مترجم»



بررسی و آموزش حقوق اسلام در انگلستان و ایرایشهای تازه‌ی فقهی

شنوندگان گرامی!

پیش از هر چیز، از اینکه امشب آمادگی بسنده‌ای برای ایراد سخنرانی، در برابر شما؛ آنگونه که شاینده‌ی این انجمن شکوه‌منداست ندارم پوزش می‌خواهم؛

چرا که پیشتر، چشم به راه این دعوتی که حضرت رئیس کردند نبودم. من باشتاب راهی کربلا و نجف بودم و هم به دیدارها و پیمانهای دیگری وابسته. ولی خود را در پاسخ به این دعوت ناگزیر یافتم؛ به ویژه اینکه فرصتی به من دست داد تا بیانگر سپاسمندی خود باشم از حضرت رئیس بزرگوار و گرامی اعضای انجمن که در یاری، بزرگداشت و دلگرمی من - آنچنانکه شایسته‌ی آن نبودم - کوشش نشان دادند. اینهمه خوبی را یاد آورم و از این احساس والا سپاسگزاری می‌کنم.

امیدوارم شما سروران از لغزشی که گاهگاهی در این گفتگوی آنی از من سر می‌زند و هم‌از اینکه برخی جملات من نارسا و باسبک رسا زبانی زبان تازی هماهنگی ندارد چشم بپوشید! موضوع سخنرانی من درباره‌ی حقوق اسلام است.

اگرچه این موضوع پدیده و گسترده است و هرگز نخواهم توانست به‌طور کلی در این سخنرانی کوتاه بدان بپردازم؛ گمان نمی‌کنم کسی بتواند اینگونه آن را فراهم آورد. به هر ترتیب من شخصی نیستم که بتوانم چنین کاری انجام دهم؛ به ویژه به خوبی می‌دانم که امشب در میان ما هستند کسانی که از من بدین موضوع آگاه‌ترند و «چون آب باشد تیمم باطل است».

با همه‌ی اینها من به‌دو مسأله که بدین موضوع وابستگی دارد و چه بسا برای شما مهم می‌نماید خواهم پرداخت.

این دو مسأله به حضرت رئیس پیشنهاد شد: نخست «بررسی و آموزش حقوق اسلام در انگلستان» و دوم: «گرایشهای تازه‌ی فقهی» که در خلال دیدارهای خود از کشورهای عربی در ماههای اخیر مشاهده کرده‌ام.

بررسی و آموزش حقوق اسلام در انگلستان:

پژوهش و آموزش حقوق اسلام در کشور ما - انگلستان - بر پایه‌ی دو روش کاملاً دوگانه استوار است. در بسیاری از دانشگاههای ما بخش ویژه‌ای برای شرق شناسی و ویژگی داده شده است که در آنجا زبانها، ادبیات و تاریخ خاور زمین از

دیدگاههای گوناگون آموزش داده می‌شود. پوشیده نیست که در آنچه به تازی، و بزرگی می‌باید حقوق اسلامی بهره و برخوردار و اهمیت بیشتری نسبت به ادبیات و علوم آن داراست. همین موضوع دانشجویان را برای تخصص در این رشته می‌کشاند. از برجسته‌ترین افراد در حقوق اسلامی دکتر «ژوزف شاخت Joseph Schacht»^۱ است از دانشگاه آکسفورد که اکنون به نگارش یک رشته کتابها در این باره سرگرم است؛ از آن میان کتابی است ویژه‌ی «شکفتگی حقوق اسلامی در آغاز اسلام و پیدایی مذاهب فقهی» که به زودی از چاپ بیرون خواهد آمد.^۲

و اما شیوه‌ای دیگر که در کشور ما حقوق اسلامی فرا داده می‌شود روشی است و ویژه‌ی دانشگاه لندن و دانشگاه کمبریج که حقوق اسلامی را واحدی (درسی) اختیاری در رشته‌ی حقوق - دوره‌ی لیسانس و فوق لیسانس - قرار داده است. دانشجویانی که این درس را برگزیده‌اند، برخی انگلیسی‌اند و پاره‌ای از دیگر کشورها. گروهی که از انگلستان حقوق اسلامی را فرا می‌گیرند از کارمندان دولت در سرزمینهای استعماری (بریتانیا) و کشورهای اسلامی می‌باشند. دسته‌ای هم انگلیسی‌اند که می‌خواهند در کشورهای خاوری اقامت گزینند.^۳

در میان کسانی که از دیگر کشورها در انگلستان به بررسی و فراگیری حقوق اسلام می‌پردازند برخی وطن‌زاد کشورهای عربی‌اند و پاره‌ای دیگر هیچ زبان تازی نمی‌دانند؛ از اینرو زبان تدریس و آموزش، زبان انگلیسی است و منابعی که مورد بهره‌وری‌اند به زبانهای اروپایی است و کسانی که زبان تازی می‌دانند، طبیعتاً از

۱- زندگینامه‌ی شادروان ژوزف شاخت با يك سخنرانی از او (پیرامون حقوق اسلام)

در مجله‌ی کانون سردفتران (شماره‌ی چهارم) به قلم نگارنده چاپ شده است. «مترجم»

۲- این کتاب در سال ۱۹۶۴ زیر عنوان «دیبچه‌ای بر حقوق اسلام» در کلرندون آکسفورد

(لندن) چاپ گردید. (مترجم) *An Introductilon to Isamic Law*

۳- پیرامون «خاورشناسان و پژوهشهای اسلامی» به زودی گفتاری خواهم نگاشت و

برخی از لغزشها و غرضهای آنان را برخواهم شمرد «مترجم»

منابع و کتابهای تازی بهره‌بر می‌گیرند. و اما آنچه به شیوه‌های مقررات آموزشی بستگی دارد، روش و نظام دوره‌ی لیسانس عبارتست از: اصول فقه: تاریخ حقوق اسلام - همراه با پیدایی مذاهب فقهی (به کوتاهی) آنگاه احوال شخصی (حقوق خانواده) به‌طور کلی و تبرعات (هبه، صدقه و وقف) و شفعه است؛ برابر مذهب حنفی و جعفری (شیعه‌ی دوازده امامی) و اشاره‌ای به مذاهب دیگر. فقط این مطالب برگزیده شده است؛ چرا که مسایل عملی حقوق اسلامی، در کشورهای اسلامی امروزین را در بر می‌گیرد.

برای گرفتن گواهینامه‌ی فوق لیسانس (حقوق)، دانشجو باید یاهمان درسهای یاد شده را - ولی گسترده‌تر - آزمایش دهد و یا پژوهشی و جستاری، در باره‌ی موضوعی فقهی که مورد موافقت قرار گرفته است تقدیم دارد و در موضوعات وابسته‌ی بدان، آزمایشی هم بگذراند.

در آنجا دوره‌ای نیز برای کسی که می‌خواهد در رشته‌ی حقوق اسلامی دکترا بگیرد، وجود دارد.

برای گرفتن درجه‌ی دکترا، دانشجو باید رساله‌ای پیرامون یکی از مسایل فقهی - که با آن موافقت شده است - تقدیم دارد. اگر گروه آزمایشگران (ممتحنین) ارزش آن جستار و پژوهش‌را، از پایگاه علمی و نیز اندازه‌ی توانایی دانشجو را در بررسی آن دید و اندیشه ارزیابی کرد و او پیروزمند در آمد، بادامنه و گسترشی فراتر، آزمایشی شفاهی می‌دهد و بدینسان به گرفتن درجه‌ی دکترا نایل می‌آید.

۲- گرایشهای نودر حقوق اسلامی:

در ماههای گذشته، از برخی کشورها عربی، دیدن می‌کردم تا، به‌ویژه به بررسی گرایشهای نوی که در تنظیم احکام حقوق اسلامی، و آنچه بدان وابسته است، پردازم. برای نمونه، در مصر گرایشها و دگرگونیهای تازه و دامنه‌دار، به چشم، دیدم؛

همانگونه که در دیگر کشورها هم گرایشهایی دیگر در قوانینی که پیوسته مورد بررسی قرار می‌گیرد یافتیم.

جنبش اصلاحی، ویژه‌ی حقوق اسلامی؛ تا آنجا که شناخته شده است در دولت عثمانی (ترکیه) آغاز گردید و سپس به کشورهای عربی گسترش یافت.

برای من روشن است که اصلاح طلبان، در این احیاء به سه نشانه نگریسته‌اند:

۱- نخستین نشانه: اصلاح روش دادگاه‌های شرع و رسیدگی آن بوده است

(یعنی آیین دادرسی و آنچه بدان وابسته است)

۲- فراهم آوری احکامی که بدانها عمل می‌شود و گنجاندن و تنظیم آن احکام

به شیوه‌ی قوانین امروزی.

۳- محدود نشدن به مذهبی ویژه، در این تنظیم و گردآوری؛ ولی گرفتن احکام،

از همگی مذاهب فقهی و نظریات حقوقدانان اسلامی، به‌طور کلی.

همچنین برای من آشکار است که پایه‌ی اساسی‌ای که این جنبش، بر آن،

استوار گردیده است اصل و قاعده‌ای است که می‌گوید: «ولی امر» (زامدار) باید

دادرسی و قضاء را با مکان، زمان و رخدادهایی که قاضی می‌شود و بزرگی و هماهنگی

دهد و هر سخنی از گفته‌ها را در مسایلی که مورد اختلاف حقوقدانان (فقهاء) است،

برگیرد و در قضیه‌ها و موارد معین به‌کار بندد و اجراء کند.

شما می‌دانید که پیرامون این قاعده، میان دانشمندان، گفتگو و بحث است و

روشن است که همگی فقهاء را در بیشتر کشورهای عربی، پذیره آمده است. در اینجا،

تنها، اشاره به پاره‌ای مسایل آشکار و برجسته بسنده می‌نماید:

روش دادگاهها و رسیدگی آنها

نباید فراموش کنیم که دادگاههای شرع، اکنون در همه‌ی کشورها، بر پایه‌ی

شیوه و روش نو استوار است.

برای نمونه، در مصر، دادگاههای شرع تقسیم می‌شوند به کوچک و بزرگ =

جزیی و کلی و تالی و عالی؛ همانگونه که در آنجا شیوهی پژوهش (استیناف) و فرجام (تمیز) هم هست.

در کشور شما (عراق) دادگاههای شرع به دادگاههای «سنی» و «جعفری» و دادگاه «فرجام سنی» و «جعفری» بخش می شود.

قانون صراحت بر این دارد که قاضی ای که رسیدگی به دعوی کسی می کند که از طایفه ای او نیست باید از دانشمندان آن گروه و (مذهب) آن مسأله را پرسد. در دیگر کشورهای عربی؛ دادگاههایی به همین سبک - با اختلافی چند - وجود دارد. چنین می نماید که این ترتیب، همگی، برای دادرسی اختصاصی است. مهمترین چیزی که توجه ما را جلب می کند اینست که در آن کشورها، در این دادگاهها، قوانین و آیین نامه های ویژه ای این دادرسی و رسیدگی به دعاوی صادر می شود؛ مانند «آیین نامه ای اجرایی» که در مصر، به سال ۱۹۳۱ میلادی، و «قانون اسناد» که در سوریه، به سال ۱۹۴۸ میلادی صادر گردید و مانند آن. در این قوانین می بینیم که اسناد خطی (مدارک نوشته) در همه ای این کشورها معتبر است؛

به واژگونی آنچه در کتابهای فقهی، پیرامون اعتبار اسناد و دلایل خطی دوگانگی و اختلاف یافت می شود؛ چه بسا مسائلی هست که نااندازه ای هیچ دلیلی جز سند و مدارک نوشته پذیرفته نیست.

در مصر، سودان و سوریه، موضوع پارسایی و عدالت گواهان از میان رفت و سوگند و بازپرسی، جایگزین آن گردید.

همچنین گواهی دروغ و منفی اکنون شنیدنی است و به هوش وزیر کی قاضی واگذار شده است تا گواهی متناقص و دوگانه را بسنجد و ارزیابی کند. تنها در باره ای مسأله ای نصاب گواهی و شهادتی که برای رسیدگی، برابر آن، در دادگاههای شرع خواسته شده است؛ پیوسته بحث و گفتگو در می گیرد.

برای نمونه، در مصر اماره ای قاطع (دعوا) به عنوان یکی از راههای اثبات

شرعی پذیرفته شده است؛ همانگونه که قانون کنونی «اسناد» و «ادله» در سوریه، بر پذیرش آن، صراحت دارد و هم به قبول گواهی يك نفر؛ در صورتی که قلب قاضی بدان اطمینان پیدا کند (آنچنانکه آشکار است به واژگونی مصر می باشد - در مصر شهادت دو نفر پذیرفته است).

این دو مسأله، اعتراض روحانیان و مذهبیان را برانگیخت و دولت سوریه را وادار ساخت تا در آن تجدید نظر کند و دادگاههای شرع را، از رفتار بدان، مستثنا گرداند؛ بنابر این تأکید شد که قاضی شرع، در چهار چوب نصاب گواهی شرعی، همچنان، خواهد ماند.

و اما از پایگاه سند فقهی، می دانید که در برخی از کتابهای حنفی، ویژه‌ی اماره‌ی قاطع (دعوا) سخنانی آمده است. برای نمونه علامه «ابن قیم جوزی» در فلسفه‌ی نصوص وارد و پیرامون نصاب گواهی شرعی و محدود نبودن دادرسی، بدان، استدلال کرده است.

در اینجا شایسته است ابزار مهمی را که مصلحان، برای رسیدن به نشانه‌ی خود، فراوان بدان پناه می‌برند، ارج گزاریم؛ و آن صدور دستور به نشیندن برخی از قضایای معین است در دادگاه شرع.

برای نمونه، بدین ابزار، در آیین نامه‌های اجرایی و مواد فراهم شده‌ی احکامی که بدانها عمل می‌شود، به گونه‌ای برابر، برمی‌خوریم، مانند محدود کردن آخرین مهلت قانونی، برای رسیدگی به دعاوی - از هر گونه که باشد - و این، در همه‌ی کشورها اجراء می‌شود. بنابراین دادگاهها در نشیندن دعوا پس از مدت معین، منع شده‌اند؛ همچنانکه برای نمونه، نشیندن دعاوی وصیت و وقف نیز، به هنگام انکار - و گاهی به طور کلی - در دادگاهها ممنوع شده است مگر هنگامی که سند و نوشته‌ای خطی، از نوعی معین، یافت شود و احتمال دروغ در گواهی گواهان برود؛

گذشته از این در مصر، مصلحان به این ابزار پناه آوردند تا اصلاح سترگ و

بزرگی که گفتگو و بحثی پیوسته، به علت مدرک فقهی خود، به همراه داشت چهره بندد؛ و آن محدود کردن سن ازدواج بود. اکنون، در مصر، دعوی که از عقد ناشویی سرچشمه می گیرد؛ ولی (در دفتر رسمی) نزد کارمندان رسمی ثبت نشده است مسموع

نیست - جز مسأله‌ی اثبات نسب . **کتابخانه مندرجه بیضا نم**

همچنین کارمندان (سردفتران اسناد رسمی) از ثبت هر گونه ازدواجی که شوهر به ۱۸ سالگی وزن به ۱۶ سالگی نرسیده باشد ممنوع شده اند. این دعاری حتی به هنگام اقرار نیز که دو طرف به این سنین معین نرسیده باشند و موضوع را برای رسیدگی در دادگاه طرح کنند مسموع نیست .

در اینجا نمونه‌های دیگری برای کاربرد این ابزار، در دیگر کشورها، هست. تنگی وقت اجازه نمی‌دهد که، به دراز، اعتراضها و ایرادهایی که از سوی برخی دانشمندان، در کشورهای گوناگون، برخاسته است بیان کنم.

۲- گرایش به گردآوری و قانون‌گذاری

دومین رویدادی که در بیشتر دین کشورها (کشورهای عربی) آشکار گردیده است گرایش به فراهم‌آوری احکام حقوق اسلامی است که مورد عمل می‌باشد و تنظیم آنها به سبک قوانین مدنی. این وضع، پیشتر، به هنگام صدور این مسأله از سوی پادشاه عثمانی - چنین بود که قاضی شرع می‌بایست برابر گزیده‌ترین گفته‌ها (اقوال ارج)، در مذهب ابوحنیفه، رسیدگی کند و حکم دهد.

روشن است که گزیده‌ترین سخنان این مذهب، در لابلای کتابهای گوناگون و بی‌شمار فقهی براکنده است؛ همانگونه که دانشمندان، در برگزیدگی (از جمعیت) بسیاری از آن گفته‌ها هماهنگی و اجماع ندارند؛ ولی آنان در آنچه برتری داده‌اند و برای فتوا برگزیده‌اند، تا اندازه‌ای زیاد اختلاف و دوگانگی کرده‌اند.

بنابراین، قضاة، در دریای بی‌کسرانی از آراء و نظریات بیرون آورده شده،

قرار می‌گیرند و گزینش آن یا برتری دادن یکی بر دیگری، بر قاضی، کاری است دشوار، به ویژه آنهم در این روزگار که فرهنگ کنونی سرشار شده است و دامنه‌ی ژرفنگری، در فرهنگ پیشین فقهی، کوتاه گردیده است.

هنگامی که برخورد قاضی، شرع، شناسایی نگزیده (راجح) در آن فرهنگ خوی

و پرورش نیافته‌اند محال خواهد بود.

کتابخانه مدرسه بیضیه قم

بهترین کار، بی‌گمان، اینست که دانش پژوهان و دانشجویان، همگی این احکامی را که اجراء می‌شوند، در مسایل مهم، مانند: ازدواج، طلاق و ارث، بشناسند. انگیزه‌ی اساسی در تنظیم این احکام و گردآوری رسمی آن، امری است آشکار که با همکاری قضاة و روشن‌فکری مردم‌چهره خواهد بست. این رویداد، در همه‌ی کشورهای عربی، بادوگانگی و تعارض روبرو گردید. هر آنچه مردم را به تعارض کشانید، از یک‌سوی، باور آنان بود به اینکه «ولی امر» (زامدار) نباید دادرسی و قضاء را به این تخصص و بزرگی دهد، و از دیگر سوی، برابر آنچه می‌نماید - ترس از اینکه این گردآوری و تدوین به‌سستی و فراموشی و غفلت از گنجینه‌های حقوق اسلامی بیانجامد و به دنبال آن شماره و ارجح‌حق‌قدانان (فقهاء) اسلامی کاهش یابد. شاید ترس و بیم اینان نیز از آن باشد که این گردآوری و ماده بندی، گاهی، راه را برای یگانگی دادگاهها هموار خواهد کرد؛ بدانسان که قاضی مدنی (حقوق خانواده) هم تنها با رجوع به متن قانون تدوین شده بتواند در احوال شخصیه (حقوق خانواده) حکم دهد.

به‌ترتیب آشکار است که ایستادگی، در برابر این رویداد، سودمند نخواهد بود، و بی‌گمان، تنظیم و تدوین احکام فقهی مورد عمل به‌زودی، در همه‌ی کشورهای عربی انجام خواهد یافت.

(پایان گفتار در شماره‌ی آینده)